



۲۰۱۷/۰۳/۲۸



عارف عباسی

معضله بغرنج، مغلق و پیچیده افغانستان

بدون سراغ راه حل

بخش دوم

افغانستان صحنه رقابت ها

اول- رقابت های ستراتیژیک

در تحت عنوان رقابت های ستراتیژیک از رقابت عمده دو مملکت دارنده سلاح ذروی پاکستان و هندوستان می توان



تذکر داد. البته علائق ستراتیژیک ایران را نادیده گرفتن اشتباه است، ولی در این مبحث ثقل مؤثریت این دو رقابت در محراق توجه قرار می گیرد.

بعد از تهاجم نظامی شوروی بر افغانستان پاکستان با بهره داشتن از موقف خاص جنوپولیتیکل با صلاحیت و قدرت بی حد و حصر و غیر قابل نظارت خود را وکیل بتوکیل افغانستان محسوب نموده و خواسته های خود را بالای تمویل کنندگان و تسلیح کنندگان عمده این ماجرا تحمیل نمود که هم آتش کوره امور دینی را فروزان نگهداشت و هم درب

هر نوع جنبش ملی را موفقانه بست. خود ساخت و خود بافت و خود تنظیم آفرید و امیری برگزید. در آخرین مرحله اعتبار شکست شوروی را با قربانی دو ملیون افغان و تباهی هست و بود افغانستان به خود بخشید و در کنفرانس ژنیف از افغانستان نمایندگی کرد. ولو که گماشتگان و اجیران پاکستان در چوکات امرای تنظیمی به قدرت رسیدند و پاکستان توانست طرح ایجاد حکومت مصالحت ملی و وسیع البنیاد ملی را با نفوذ خود خنثی سازد ولی تحولات به نحوی تکوین یافت که حزب اسلامی گلبدین حکمتیار با تمام حمایت و تقویت پاکستان کنار برده شده و زمام داران کابل با تبنای حلفات مؤتلفین قدرت طلب و فرصت جوی خود فروخته حزب پرچم خیر و صلاح و بقای خود را در پیوست به مثلث روسیه، هندوستان و ایران دیدند. و پاکستان را کنار بردند. تلاش های متنوع حزب اسلامی با ایجاد ائتلافات نامتجانس نوین برای این حزب قدرت بیشتر نیافریده و قوت های نظامی اش از شهر کابل خارج و از منطقه چهار آسیاب شهر کابل را مورد آماج راکت های خود قرار داد. پاکستان در تضعیف موقف حزب اسلامی تزلزل نفوذ خود را در زمام داری جمعیت اسلامی و شورای نظار دیده این ناکامی برایش غیر تحمل بوده با بکار بستن مهارت های سیاسی به اذن و اراده امریکا، بخشایش انگلیس و حمایت عربستان سعودی و هم پیمانان خلیج آن جریان طالب

را خلق و سازمان روم و مردم افغانستان را با یک بازی مزورانه اغوا نموده نفوذ از دست داده اش را دوباره احیاء و بر اوضاع افغانستان مسلط گردید.

حکومت مصلحتی افغانستان بعد از ۲۰۰۱ که بیشترین قدرت بدست اعضای شورای نظار حزب جمعیت اسلامی بود باز هم برای تضعیف موقف پاکستان بحیث حامی طالبان مساعی به خرج داده و مناسبات چندین جانبه را با هندوستان علنی و مخفیانه استحکام بخشیدند ولی سیاستمداران پاکستان که بعد از سال ۲۰۰۱ بحیث شریک ستراتیجیک امریکا آسمان و زمین خود را در اختیار امریکا قرار داده و از کمک های معتابه نظامی و مالی امریکا بهره مند شده ولی اعتماد خود را بالای حکومت کابل از دست داده دوباره طالبان را بسیج و تنظیم نموده برای تأمین اهداف عمق ستراتیجیک خود تا امروز بحیث حربه در افغانستان مورد استفاده قرار دادند.

تا حال یک موضوع در روابط امریکا و پاکستان نه تنها اسرار آمیز است بلکه سؤال برانگیز بوده که چرا امریکا علی الرغم آگاهی کامل در نقش پاکستان در حمایت، پناه دادن، تسلیح و سوق و اداره جنگجویان طالب و زمینه سازی برای تقویت مالی این جریان و آلوده بودن دست پاکستان در خون فرزندان امریکا و فریبکاری علنی در مخفی نگهداشتن اسامه بن لادن تا حال اقدام قاطع و جدی نکرده؟ و دلیل این ناز پروری و چشم پوشی چیست؟ در حالی که جنرال «نیکولسن» قوماندان قوای امریکا و ناتو در افغانستان در برابر کمیته امور مسلحانه کانگرس امریکا گفت که ما با دشمنی می جنگیم که مورد حمایت و علنی پاکستان قرار دارد.

به هر حال در این رقابت ستراتیجیک بین پاکستان و هندوستان پله ترازوی پاکستان بر اساس دلایل روشن گرانتر است. اگر پاکستان موفق به رسیدن آرزویش که خروج قوای نظامی امریکا و ناتو از افغانستان است گردد، ناامنی های داخلی خود را بهانه قرار داده عیناً همگون اشغال لبنان توسط سوریه در ۱۹۷۶-۲۰۰۵، قوت های نظامی خود را در مناطق جنوب و شرق افغانستان داخل نماید.

دوم- رقابت های مذهبی:

این رقابت و عواقب بس خطرناک ناشی از آن برای افغانستان مایه نگرانی عمیق بوده می تواند. ایران مذهب را افزار تأمین منافع ستراتیجیک و توسعه طلبی خود قرار داده، متعاقب بحران بس عظیم سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در عراق در نتیجه تهاجم و اشغال آن کشور توسط امریکا و متحدین شرائط به نحوی مساعد گردید که منجر به توسعه و پهناوری نفوذ سیاسی، نظامی و مذهبی ایران در عراق گردید اعطای قدرت توسط امریکا بعد از سقوط حزب بعث و اعدام صدام حسین به شیعیان و اهل سنت را همه هواخواهان صدام حسین شمردن سرآغاز ایجاد یک حالت بحرانی تضاد مذهبی بود حکومت بر سر اقتدار عراق با تبانی قوای نظامی و استخباراتی امریکا مظالم بیشماری را در حق اهل سنت عراق به شیوه های غیر انسانی و وحشیانه انجام داده هزاران در شکنجه گاه های مخوف تعذیب نموده محکوم به مرگ ساختند. جنایات زندان ابو غریب توسط زندان بانان امریکا سیاه ترین لکه در دامان دموکراسی و قوانین حقوق بشر امریکا است، و تا امروز بسی امور عراق به استثنای مناطق کرد نشین و سنی مذهبیان تحت تسلط ایران قرار دارد. ایران در بر افروختن آتش تضاد های مذهبی، قتل عام و تضعیف موقف سیاسی سنی مذهبیان عراق مداخلات علنی و مستقیم نمود که سنی ها هم به حمایت دیگران و هم برای احقاق حقوق پامال شده خود به انتقام جویی های بالمثل پرداخته روزانه به هزاران بیگناه پیرو هر دو مذهب قربانی دسایس و مداخلات ایران و همسایه های

عرب عراق می‌گردد. سفیر سابق عربستان سعودی بخاطر انتقاد از نفوذ روز افزون ایران در عراق توسط حکومت عراق اخراج و یک ماه قبل بعد از چند سال سفیر نوی به عراق مؤظف گردید.

مقامات ایرانی بعد از انکار نمودن مداخلات شان در سوریه بالاخره به صراحت اعلام داشتند که حکومت سوریه را از لحاظ اکمال، اطلاعات و تهیه آلات و افزار جنگی و قوای پیاده نظام متشکل از پاسداران انقلاب و حزب الله لبنان و اتباع افغانستان کمک می‌نمایند. ایران در جنگ سوریه عملاً شامل بوده و در قلع قمع مخالفین حکومت سوریه را حمایت و کمک نمود

هکذا در یمن ایران هوتی های شیعه مذهب را برای گرفتن زمام امور از لحاظ مالی و نظامی کمک می‌نمایند. از جانب مخالف عربستان سعودی و ممالک خلیج با مداخلات خود از لحاظ مالی و نظامی در عراق، سوریه و یمن با تشکیل ائتلافات منطوقی و فرا منطوقی جلو مداخلات و توسعه طلبی های ایران را گرفته جنگ های نیابتی سبب کشتار میلیون ها انسان گردیده و ویرانی و تباهی سرتاسری را بار آورده.

در سوریه نیم میلیون سوریایی کشته شده و میلیون های دیگر آواره و بی پناه شده با فقر و تنگدستی دست و گریبان اند. دیدن حالت اسفناک و رقت بار سوریایی ها در شهر های ترکیه، لبنان و اردن از دیده انسان با احساس به عوض اشک خون می‌ریزند.

در عراق به عوض جوی خون، انهار خون در جریان است و دیگر رفاه، آسایش و امنیت و وحدت عراق جزء افسانه ها شده. در یمن جنگ به شدت خود دوام داشته به اساس آخرین راپور ملل متحد قحطی، ناداری و گرسنگی بی داد می‌کند که این مصائب و سیاه روزی ها ارمغان رقابت های ایران و عربستان سعودی و دیگران است.

در وطن ما که متأسفانه فرهنگ ایران مشربی به سرعت در حال گسترش است در فقدان یک نظام مسؤل و حامی ارزش های فرهنگی حتی زبان عوام الناس از اصالت افغانی اش بیرون شده استعمال «واژه» نو ساخت و نو بنیاد ایرانی و صحبت به لهجه ایرانی خود مظهر فضل و دانش گردیده با دیدن برنامه های تلویزیونی شما حیرت می‌نمائید که این برنامه از افغانستان پخش می‌گردد و یا از کدام «استان» ایران و یا گوینده و نطق افغان است و یا ایرانی.

اگر خدای ناخواسته موضوع رقابت مذهبی در افغانستان شعلور گردد و افغانستان میدان رقابت سنی گرایان افراطی «وهابیزم» سعودی و «شیعیزم» ایرانی گردد برچیدن دامن این آتش تباہ کن آسان نخواهد بود و خون بی حساب و ویرانی بی حد را باخود همراه خواهد داشت.

عربستان سعودی برای پخش و توسعه مکاتب عقیدوی خود در فکر ایجاد سازمان و مدارس بزرگ با سرمایه های هنگفت در افغانستان است که هم نوایی و پشتی بانی پاکستان را با موجودیت طالبان مسلح با خود دارد و ایران اتباع مسلح و جنگ دیده و مغز شویی شده افغان را با خود دارد که پیش بینی یک سنیز آتشین نهایت تکان دهنده و هراس بر انگیز است. خدای ناخواسته حالت بدتر از سوریه رخ داده و این ملت بسوی تباہی کلی رهسپار خواهد شد.

پایان بخش دوم و پایان